

# مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسہ عالی فقہ و معارف اسلامی

پایان نامہ کارشناسی ارشد

رشته فقہ و معارف اسلامی

موضوع:

حکم غناء از دیدگاہ اسلام

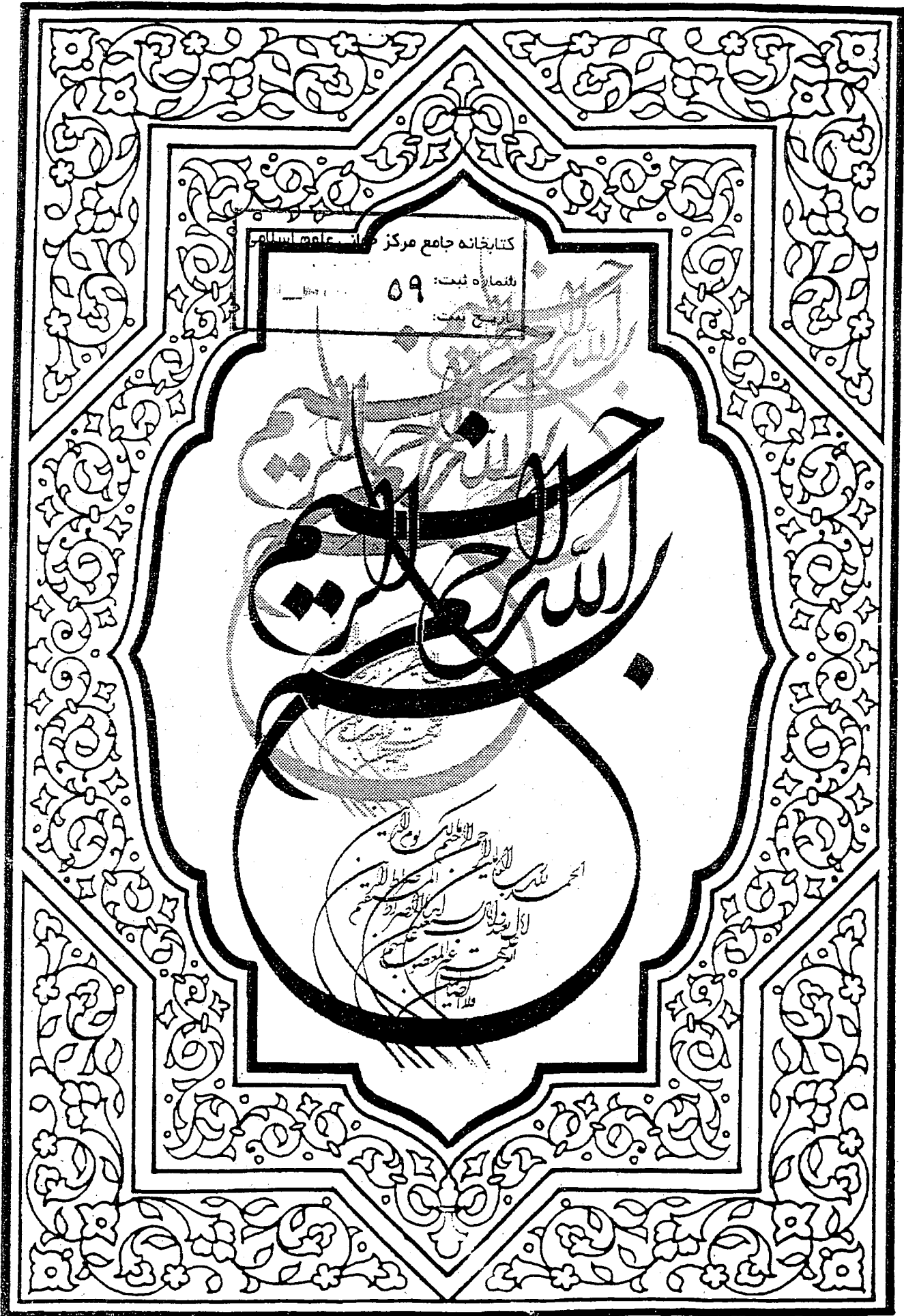
استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن عابدیان

دانش پژوه:

محمد نبی حسنی

سال: ۱۳۸۳



کتابخانه جامع مرکز مدارس علم اسلام

شماره ثبت: ۵۹

تاریخ ثبت:

الله

الحمد لله رب العالمين  
الذي هدانا لهذا  
انا كنا لنهتدي لولا  
هدى الله لنا  
ولا لولا اننا كنا  
من الخاسرين

قال الله الحكيم (ج): «ن، والقلم و ما سيطرون»<sup>۱</sup>

خداوند دانا و توانا فرمود: «ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند.»

قال رسول الله (ص): «من مات و ميراثه الدفاتر و المحابر و جبت له الجنة»<sup>۲</sup>

پیامبر خدا (ص) فرمود: «هر که از دنیا رود و میراثش دفترها و دواتها بود، بهشت بر

او واجب می شود.»

قال امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع): «لا ینفع اجتهاد بغير تحقیق»<sup>۳</sup>

امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فرمود: «هر تلاشی که در آن تحقیق و حقیقت

جویی نبود، در آن بهره ای نیز نبود.»

قال الصادق (ع): «اول ما خلق الله القلم فقال له: اکتب فکتب ماکان و ما هو کائن

الی یوم القيامة»<sup>۴</sup>

امام صادق (ع) فرمود: «قلم نخستین آفریده از سوی پروردگار عالم است، خداوند

به او فرمود: بنگار و قلم آنچه را بود و تا روز رستاخیز خواهد بود، همه را در نوشتار

آورد.»

۱- سوره قلم، آیه ۱

۲- ارشاد القلوب، ص ۱۷۶

۳- معجم الفاظ غررالحکم، ص ۲۴۹

۴- حویزی (علامه) عبدعلی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۹۸

## تقدیرم:

این اثر ناچیز به پیشگاه والای بانوی اسلام، محبوبه یکتا،  
دختر خیرالوزرا، امّ الائمه النجباء، صدیقه کبری، بتول عذراء،  
فاطمه زهراء سلام الله علیها.

و بساحت قدس شیر زن کربلا، قهرمان میدان بلا، برهم  
زن اساس ظلم و جفاء، سرخیل اسراء و نائبه زهراء زینب  
کبری سلام الله علیها تقدیرم می شود.

## تقدیر و سپاسگذاری

سپاس و ستایش خدای را جل جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن تابان است. و انوار حکمت او در دل شب تار درفشان، بخشاینده ای که تاز عنکبوت را سد عصمت دوستان کرد، جباری که نیش پشه را تیغ قهر دشمنان گردانید. سلام و درود خداوند «ج» بر پیامبران و به ویژه، به روان پاک حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و اوصیاء گرامی او باد. درود بیشمار بر بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن العسکری روحی له و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء. شکر، ایزد منان را که به این کوچکترین شاگرد مکتب حضرت امام جعفر صادق (ع) این توفیق را عنایت فرمود که توانستم با مدد او پایان نامه‌ای را مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل تکمیل نمایم و به محضر محترم مرکز جهانی علوم اسلامی تقدیم نمایم گرچه:

لایق نبود قطره به عمان بردن  
خاروخس صحرا به گلستان بردن  
اما چه کنم که رسم موزان اینست  
ران ملخی نزد سلیمان بردن

از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود لازم و واجب می‌دانم که از زحمات و پیشنهادات بسیار شایسته‌ی مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی، در راستای رشد و بالندگی و ارتقای سطح فکری و علمی طلاب علوم دینی، در زمینه‌های گوناگون به خصوص در زمینه‌ی اقدام به تحقیق و تدوین پایان نامه توسط طلاب،

و همچنین از زحمات ارزشمند دست‌اندرکاران و مسئولین محترم واحد پایان‌نامه، و به ویژه از زحمات بی‌شائبه و راهنمایی‌های بسیار صمیمانه و دوستانه‌ی استاد محترم راهنما حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقای سید میر حسن عابدیان (حفظه الله تعالی)، و همچنین از قبول زحمات هیئت محترم داوران، نسبت به بررسی و نادیده گرفتن اشتباهات و نواقصات پایان نامه این جانب، سپاسگذاری نمایم،

واز پیشگاه ایزد منان سلامتی وجود شریف، و توفیقات بیش از پیش تمام حضرات را منسئلت می‌نمایم. که انشاءالله خداوند تبارک و تعالی توفیقات روز افزون و توجهات خاصه ولی عصرش را برای خد متگزاران به فرهنگ ناب اسلامی و تشیع علوی ارزانی گرداند.

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والسلام علی عباد الله الصالحین

(محمد نبی حسینی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۹.....	فصل اول: تاریخچه غناء و موسیقی
۱۰.....	گفتار اول - اقوال در پیدایش غناء و موسیقی
۱۴.....	گفتار دوم - تحولات غناء در ادوار زمان
۱۴.....	نفوذ غناء در دربار سلاطین ایران
۱۶.....	نفوذ غناء در بین اعراب قبل از ظهور اسلام
۱۷.....	رکود و ایستائی غناء با ظهور اسلام
۱۷.....	بازگشت غناء در دربار امویان
۲۱.....	رشد غناء در دربار عباسیان
۲۱.....	اوج گیری غناء در دربار هارون رشید
۲۴.....	فصل دوم: حقیقت و ماهیت غناء
۲۵.....	مفهوم غناء
۲۶.....	گفتار اول - غناء از دیدگاه لغویین
۲۷.....	جمع بندی تعاریف اهل لغت
۳۰.....	گفتار دوم - غناء از دیدگاه فقهاء
۳۲.....	جمع بندی تعاریف فقهاء عظام
۳۸.....	مراد از مطرب
۴۱.....	گفتار مرحوم شهید ثانی پیرامون لفظ مطرب

## فهرست مطالب

- گفتار مرحوم سید جواد عاملی پیرامون لفظ مطرب ..... ۴۱
- نقد گفتار مرحوم سید جواد عاملی ..... ۴۲
- چگونگی تحقق طرب ..... ۴۵
- فصل سوّم: حکم عناء از دیدگاه فقهای اسلام ..... ۴۷
- حکم عناء از دیدگاه فقهای اسلام ..... ۴۸
- گفتار اول - حکم غناء از دیدگاه فقهای شیعه ..... ۴۹
- نظریه قائلین به جواز غناء ..... ۴۹
- الف: مرحوم فیض کاشانی ..... ۴۹
- ب: مرحوم محقق سبزواری ..... ۵۰
- ادله قائلین به جواز غناء ..... ۵۱
- نقد ادله قائلین به جواز غناء ..... ۶۰
- نتیجه بحث: ..... ۷۶
- نظریه قائلین بر حرمت غناء ..... ۷۷
- ادله قائلین به حرمت غناء ..... ۷۹
- دلیل اوّل: آیات ..... ۷۹
- دلیل دوّم: روایات ..... ۸۱
- دلیل سوّم: اجماع ..... ۹۸
- نقد ادله قائلین به حرمت غناء ..... ۱۰۰
- نقد دلیل اول: (آیات) ..... ۱۰۰

## فهرست مطالب

- نقد دلیل دوم: ( روایات ) ..... ۱۰۱
- نتیجه بحث: ..... ۱۰۶
- توضیح مطلب: ..... ۱۰۶
- نقد دلیل سوّم ( اجماع ) ..... ۱۰۸
- گفتار دوم - حکم غناء از دیدگاه علمای اهل سنت ..... ۱۱۰
- نظریه قائلین به جواز غناء ..... ۱۱۳
- نتیجه گیری از احادیث عایشه ..... ۱۱۶
- نقد ادّله قائلین بر جواز غناء از دیدگاه علمای شیعه ..... ۱۱۸
- نقد ادّله قائلین به جواز غناء از دیدگاه خود اهل سنت ..... ۱۲۰
- نظریه قائلین به حرمت غناء ..... ۱۲۸
- ادّله قائلین به حرمت غناء ..... ۱۳۲
- دلیل اول : آیات ..... ۱۳۲
- دلیل دوّم: روایات ..... ۱۳۳
- نظریه مختار ..... ۱۳۷
- فصل چهارم - حکمت حرمت و مستثنیات غناء ..... ۱۳۹
- گفتار اول - حکمت حرمت غناء ..... ۱۴۱
- الف: تشویق به فساد اخلاقی ..... ۱۴۳
- ب: غافل شدن از یاد خداوند (ج) ..... ۱۴۴
- ج: آثار زیاد بار غناء بر اعصاب ..... ۱۴۵
- د : غناء ابزار کار استعمار ..... ۱۴۶



## فهرست مطالب

- مژده به آنان که غناء و موسیقی گوش نمی کنند ..... ۱۴۷
- گفتار دوّم - مستثنیات غناء ..... ۱۵۰
- مورد اول : حداء ..... ۱۵۰
- ادله مشهور بر استثناء حداء از حکم غناء ..... ۱۵۱
- نقد ادله مشهور ..... ۱۵۱
- مورد دوّم : غناء در اعراس ..... ۱۵۲
- ادله مشهور بر استثناء غناء در اعراس ..... ۱۵۲
- نتیجه بحث ..... ۱۵۵
- گفتار سوّم - حکم آوازهای مشکوک ..... ۱۵۶
- فهرست منابع ..... ۱۵۹

## مقدمه

در بینش الهیون، مکاتب الهی در هر عصر و زمان متناسب با نیازهای جامعه و عینیت‌های خارجی و واقعیت‌های زمان به میزان درک و استعداد انسانها، احکام، قوانین و مقرراتی را برای بهزیستی مادی و معنوی انسان آورده‌اند. و هنگامی که نیازهای نوین و شرایط جدیدی برای زندگی بشر پدید آمد، خداوند (ج) پیامبر دیگری را مبعوث داشت تا با مکتبی جامع تر بدان نیازها پاسخ دهد. به عقیده مسلمانان و به نصّ متون قطعی اسلامی، اسلام، آخرین مکتب و جامع ترین مکتبی است که خداوند (ج) برای بهزیستی مادی و معنوی انسان قرار داده است و آن را از طریق وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل فرموده است.

بدون تردید در عصر اسلام، تاریخ بشر از حرکت، باز نایستاده، و اندیشه انسان از پوییش و پیشروی در همه‌ی زمینه‌ها باز نمانده است و نخواهد ماند. از این رو، اسلام جاودان در بیان احکام و قوانین و مقررات، چنان شیوه‌ای را به کار گرفته است که انسان با رشد اجتماعی و فکری اش، خود را بی نیاز از دین گمان نکند، بلکه انسان رشد یافته و در هر عصر و زمانی با ابزار علمی جدید تر، بتواند واقعیت‌ها و اسرار و مفاهیم عمیق تری از اسلام را درک کند و به دست بیاورد.

مکتب، در اوج گویایی و جامعیت، و راه در نهایت وسعت و اطمینان، باز هم می‌بینیم رهروان مکتب، راه را یکسان نه پیموده‌اند. در برخی از اعصار اجتهاد و

فقاہت با قدرت و توان بیشتری به غور و بررسی حقایق و احکام الهی و وظایف دینی پرداخته، و در روزگاری رهروانش به دستاوردهای پیشینیان بسنده کرده‌اند بی تردید این نوسان نیز معلول کیفیت رشد و گسترش، و شرایط جامعه اسلامی و بینش و تفکر علمای اسلام و حوادث واقعه و نیازها و موضوعات مستحدث بوده است.

هنگامی که موضوع تازه ای در زندگی اجتماعی یا فردی جامعه به وجود می‌آمده و مورد ابتلای افراد زیادی قرار می‌گرفته است، به ضرورت، مجتهدان و فقها نیز به تبیین و شناخت و بیان احکام و مقررات و قوانین اسلامی مربوط بدان موضوع می‌پرداخته‌اند.

از موضوعات قابل بحث و مورد ابتلا، که در فقه اسلام نیز مورد توجه خاص فقهاء در ادوار تاریخ بوده و جایگاه بسیار مهمی در فقه دارد، مسأله غناء است. این موضوع علی‌رغم بحث‌های فراوانی که درباره آن انجام گرفته، هنوز هم ابهام و غموض زیادی در آن وجود دارد.

مسأله موسیقی یا موسیقا به معنی یونانی، و غناء یا تغنی به مفهوم عربی، از جمله مسائلی است که از لفظ گرفته تا مفهوم و مصداق، همواره در حوزه معرفت دینی، آباستن تاریخچه ای بحث انگیز و پرهیاهو بوده است؛ از موسیقی در ادبیات دینی و شریعت اسلامی به لفظ غناء تعبیر شده است.

در رسائل اخوان الصفاء: موسیقی به معنای غناء و موسیقار به معنای مغنی آمده.<sup>۱</sup>

شیخ آذری صاحب جواهر الاسرار گوید: «مو» در لغت سریانی یعنی هوا و «سیقی» به معنای گره است. یعنی موسیقیدان به واسطه ظرافت کار، گوئی هوا را در گلو گره می‌زند.<sup>۱</sup>

عبد الحمید لازقی گوید:

«موسیقی مرکب از «موسی» و «قی» است. «موسی» در لغت یونانی نغمه و سرود، و «قی» بمعنای موزون و دل‌پسند است.<sup>۲</sup>

از دیر هنگام بحث «غنا و موسیقی» بحث پرهیاهو بوده است. علماء و فقهاء دینی این بحث را به یک بحث معركة الآراء تعبیر نموده‌اند بطوریکه هرگاه مفهوم کلمه ای روشن نباشد می‌گویند: «مفهوم این واژه مانند مفهوم غناء مجمل است.»<sup>۳</sup>

چنانچه حضرت امام خمینی (ره) در کتاب مکاسب محرمة اش بیان داشته:

«المسألة الثانية في الغناء فقد اختلفت الكلمات في ماهيته و حكمه.»<sup>۴</sup>

«مسأله دوم در رابطه با «غناء» می‌باشد، که کلمات علماء و فقهاء در حقیقت و

حکم آن متفاوت است.»

روی این جهت که در مفهوم و مصداق غنا اجمال و ابهام وجود دارد، بسیاری از محققین و اندیشمندان تشخیص ماهیت و حقیقت غنا را به عهده عرف و وجدان سلیم افراد در جامعه گذاشته‌اند.

۱- همان ص ۱۰۸

۲- همان

۳- ایرانی، اکبر، حقیقت موسیقی غنائی، ص ۱۴۵ - محمدی، علی. شرح مکاسب، ج ۲، ص ۱۷۵

۴- خمینی، (امام)، روح الله، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۱۹۸.

شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب محرّمه تشخیص ماهیت غنا را به عهده عرف گذاشته و می‌گوید:

«ثمّ إنّ المرجع فی اللّهُو الی العرف، والحاکم بتحقّقه هو الوجدان.»<sup>۱</sup>

«ملاک در تشخیص لهو (غناء) عرف است، و حاکم به تحقق آن وجدان سلیم است.» شیخ انصاری (ره) مانند اکثر فقها و علمای پیش از زمان خودش معتقد است که عرف و وجدان سالم ملاک تشخیص صوت لهوی و غنائی می‌باشد. همچنین فقیه عالی قدر حضرت امام خمینی (ره) در بحث غناء مکاسب محرّمه اش درباره کسانی که غناء رابه صوت کشیده و یابه صوت مرجع و چهچه تعریف کرده‌اند، مسأله را به اقتضای عرف زمان آنها مربوط دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

البته موضوعاتی که در فقه، محل گفتگوی فراوان بوده و در عین حال، جزء مسائل مشکل و مبهم به حساب آیند بسیار است؛ ولی فرق آنها با موضوع (غناء و موسیقی) در این است که اشکال و دشواری آنها تنها از نظر حکم است، اما غناء علاوه بر اختلافات حکمی - چنانچه انشاء الله به تفصیل از آن بحث خواهیم کرد - دشواری و ابهام در شناخت مصداق و تبیین موضوع نیز دارد. بدین جهت، موضوع (غناء) بیشتر از بقیه موضوعات، نیاز به تعریف و بحث صغروی دارد.

هدف از انتخاب موضوع غناء: مبتلا به بودن این مسأله در جامعه امروزی است، از آن جایی که هر فرد از جامعه اعمّ از کوچک و بزرگ، روحانی یا غیر روحانی، طلبه مبتدی یا مرجع تقلید، خواسته یا نا خواسته با مسأله غناء و موسیقی روبرو

<sup>۱</sup> - انصاری، (شیخ اعظم)، مرتضی، مکاسب، ج ۱، ص ۱۱۱.

<sup>۲</sup> - خمینی (امام)، روح الله، مکاسب محرّمه، ج ۱، ص ۲۰۳.

است، غناء و موسیقی مسأله ای نیست که آن را کوچک شمرده و بحث پیرامون آن را غیر ضروری تشخیص داده و به آسانی از کنار آن ردّ شد. زیرا غناء و موسیقی با برنامه های روزمره زندگی بشر امروزی کاملاً آمیخته و دخالت مستقیم دارد.

مثلاً: وقتی که در منزل دست به کلید رادیو و یا تلویزیون می‌زنیم طبیعی است که آهنگی را با کیفیت خاص می‌شنویم، و یا اگر می‌بینیم که مراسم جشن عروسی بر پا می‌شود آهنگهای خاص، رقص و پایکوبی، سوت و کف زدن، عربده کشیدن و هورا گفتن، سی دی غناء و موسیقی بیداد می‌کند، و اگر می‌بینیم یک مجلس عادی بر پا می‌شود، مانند مهمانی های معمولی و مجالس شب نشینی که امروزه معمول و متداول است، صاحب منزل و میزبان برای اینکه مهمانان وقتشان خوش بگذرد و دق نیاورند و مجلس خوشی داشته باشند، از نوارهای موسیقی و آهنگهای جور و جور استفاده می‌کند.

بشر به اقتضای طبیعت بشری و غریزه لذت طلبی، روان خود را با غناء و موسیقی نوازش داده، و در موقع درد ورنج و تنهایی یا در موقع خوشحالی و خوش گذرانی و شب نشینی و جشن و سرور از آن استفاده می‌برد و نشان طبیعت گرایی را که ناشی از لذت طلبی و خودخواهی اوست در تمام قرون و اعصار بر پیشانی خود دارد. مخصوصاً در جهان امروزی که یکعده ای شعارشان بر این است که:

الف: غناء و آهنگهای لذت بخش، غذای روح است و باید در هر شبانه روز پاره‌ای از اوقات خود را در اختیار غناء و موسیقی گذاشت و از او استفاده برد.

ب: جامعه پزشکی برای درمان بیماریهای روحی و روانی از غناء و موسیقی استفاده

می‌کنند، و برای آرامش روح و روان آنها در هر شبانه روز چند ساعت گوش دادن به غناء و موسیقی را تجویز می‌کنند.

ج: با آمارگیری و تجربه ثابت شده است که غناء و موسیقی کارکارگران را افزایش می‌دهد.

د: غناء و موسیقی در رشد گیاهان و شیر حیوانات تأثیری فراوان دارد.

درمقابل این دسته که حکم بجواز موسیقی و غناء داده‌اند، عده کثیری هستند که عقیده آنها بر اینست، اگر با دید بصیرت و چشم واقع نگاه کنیم، خواهیم دید غناء و موسیقی ابزار کار استعمار و یکی از مصادیق بارز و آشکار تهاجم فرهنگی است، که خطر این تهاجم در حقیقت خطرناک تر از یک دشمن تا به دندان مسلح است، چرا که دشمن سر تا پامسلح اگر بر یک کشور یا یک شهر حمله کند، طرف مقابل و کشوری که مورد هجوم قرار گرفته است با او مقابله کرده و از هر گونه وسائل دفاعی درمقابل دشمن استفاده می‌کنند.

ولی تهاجم فرهنگی بدون هیچگونه درگیری و خونریزی بلکه با دست خود شخص و علاقه خود به این پدیده و با کمترین هزینه وارد زندگی او می‌شود و در کوتاه ترین زمان چهره شومش را آشکار می‌کند.

ضرورت بحث اقتضای آنرا دارد که بدانیم دیدگاه فقهی و حکم شرعی در رابطه با

غناء و موسیقی چیست؟

آیا از دیدگاه فقهی واقعاً غناء و موسیقی غذای روح است که اگر این غذا به روح

نرسد روح آن طراوت و شکوفائیش را از دست خواهد داد؟ آیا از دیدگاه فقهی برای

درمان بیماری های روحی و روانی، موسیقی موثر است؟ آیا به راستی غناء و موسیقی موجب افزایش راندمان کاری کارگران می شود؟

یا بالعکس، غناء از دیدگاه فقهی و حکم شرعی یکی از مصادیق بارز و آشکار تهاجم فرهنگی و ابزار کار استعمار است؟ که از هر راه ممکن باید با او مقابله کرد. برای بیشتر روشن شدن مطالب مورد بحث و بدست آوردن دیدگاه فقهی و حکم شرعی نسبت به آن، می توان مساله غناء و موسیقی را در چهار فصل، مورد بحث و بررسی قرار داد.

فصل اول: در رابطه با تاریخچه غناء و موسیقی است، که باید بحث و بررسی نمود غناء در چه زمانی و توسط چه اشخاص پا به عرصه گیتی نهاده است. اوج گیری غناء یا رکود و ایستایی او در چه زمان بوده است.

فصل دوم: تحقیق پیرامون ماهیت و حقیقت غناء است، که غناء چگونه آوازی است؟ آیا به هر آوازی غناء گفته می شود؟ یا اینکه غناء آواز مخصوص است، که با کیفیت خاصی اداء می شود؟ که در این زمینه، دیدگاه اکثر فقهاء و دانشمندان اهل لغت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم: در رابطه با حکم غناء و موسیقی از دیدگاه اسلام است. که در این فصل دو نظریه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

الف: نظریه ای که غناء را مطلقاً حرام می داند.

ب: نظریه ای که غناء را ذاتاً حرام نمی داند. بلکه حرمت غناء را مربوط به یک

سلسله امور خارجی می داند.

فصل چهارم: حکمت حرمت و مستثنیات غناء:



به یاری خداوند متعال و عنایت خاصه ولی عصر (عج) مشروح این مسائل را  
مورد بحث و بررسی قرار خواهم داد.  
ابتداً می پردازیم به بحث و بررسی، پیدایش غناء و موسیقی

## فصل اول

### تاریخچه غناء و موسیقی

گفتار اول: اقوال در پیدایش غناء و موسیقی

گفتار دوم: تحولات غناء و موسیقی در ادوار زمان

## گفتار اول

### اقوال در پیدایش غناء و موسیقی:

در اینکه غناء و خُداء از اختراعات و ابتکارات شیطان است جای شک و تردید نیست، چنانکه عیاشی در تفسیرش گفته است: «رسول الله اعظم (ص) فرمودند: اول کسیکه غناء و خُداء کرد شیطان بود، و قتیکه حضرت آدم (ع) از شجره منهی خورد شیطان خوانندگی کرد و غناء سرداد. و قتیکه در زمین قرار گرفت نوحه کرد، و بهشت را به خاطر حضرت آدم (ع) آورد. و او را به یاد نعمتهای بهشت انداخت.»<sup>۱</sup>

ولی از آنجائی که این پدیده (غناء) وارد جامعه بشری شده است، و در بین جوامع بشری گسترش پیدا کرده است، دقیقاً معلوم نیست که از چه تاریخی و توسط چه اشخاص یا قبایلی پا به عرصه گیتی نهاده است.

اقوال در این زمینه مختلف است:

### قول اول

به زعم عبرانی ها آغاز موسیقی با اشعار تورات در حدود یک هزار و هشت صد سال قبل از میلاد بوده است. در صورتیکه در خرابه های شهر «اور» پایتخت «سومر و کلد» نزدیکی های خلیج فارس یک نوع چنگ بدست آمده که از عمر آن بیش از چهار هزار سال می گذرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - اسلمی سمرقندی، محمد بن مسعود عیاش، تفسیر، ج ۱، ص ۴۰

<sup>۲</sup> - میرزا خانی، حسین، مبانی فقهی، روانی موسیقی، ص ۱۰۵

### قول دوم

«لئو پو لدوفین» می گوید: «مبدا غناء و موسیقی عهد عتیق است و پیوسته در دوران باستان طبل، آغاز جنگ را اعلام می کرد، جنگهای بزرگ کیمبورس هندوها و پرا تریون مصری ها با طبل شروع می شده است کتابهای مقدس زرتشتیان و براهمائی ها و توراها اولین مدارک مستند موسیقی بشمار می آیند.»<sup>۱</sup>

### قول سوم

در حدود چهار هزار سال قبل از میلاد «جوبا لکن پسر لامیک» مخترع این فن بوده که یهودیان، موسیقی را بدو نسبت می دهند، تا سلطنت سلیمان ملت یهود سرودهایی در موقع مختلف با چنگ و تامبور و شامل می خواند.<sup>۲</sup>

### قول چهارم

«صاحب نفائس الفنون» درباره اختراعات غناء و موسیقی می گوید: «این فن را افیثاغورث حکیم کشف کرده است،» و همچنین می گوید: فیثا غورث حکیم، اصل موسیقی را از عدم تساوی اصواتی که بوسیله چند آهنگر با پتک زده می شد درک کرده و بعد از آن این فن را آغاز کرده است.»<sup>۳</sup>

### قول پنجم

موسیقی شعری یا شعر آهنگین، از قوم «عاد» که در جنوب حجاز سکونت داشتند به نقاط دیگر سرایت کرده است.

<sup>۱</sup> - همان

<sup>۲</sup> - همان

<sup>۳</sup> - آملی (علامه) شمس الدین محمد بن محمود، نفائس الفنون فی عرائس العیون، ج ۳، ص ۷۳